

مجموعه سناييم نياوين علوم انساني اسلامي

# كرامت انسان در فقه و حقوق اسلامي

مؤلف:

حسين حقيقت پور

دانشجوي دكترای فقه و حقوق اسلامي دانشگاه فردوسي مشهد

همكاران علمي:

حجه الاسلام و المسلمین دكتر محمد حسن حائري

دانشيار گروه فقه و حقوق دانشگاه فردوسي مشهد

احسان علي اكبري بابو كاني

دانشجوي دكترای فقه و حقوق اسلامي دانشگاه فردوسي مشهد

انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

تهران: بزرگراه شهید چمران،

پل مدیریت

تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵

E-mail: isu.press@yahoo.com

فروشگاه اینترنتی:

www.ketabesadiq.ir



دانشگاه امام صادق

کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی (مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی) ■ مؤلف: حسین حقیقت‌پور  
همکاران علمی: محمد حسن حائری، احسان علی‌اکبری، بابوکانی ■ ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)  
نمایه‌سازی: رضا دیبا ■ چاپ اول: ۱۳۹۲ ■ قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال ■ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
چاپ و صحافی: زلال کوثر ■ شابک: ۳-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

همه حقوق محفوظ و متعلق به ناشر است.

سرشناسه: حقیقت‌پور، حسین، ۱۳۶۵ -

عنوان و نام پدیدآور: کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی / مؤلف حسین حقیقت‌پور،

همکاران علمی محمد حسن حائری، احسان علی‌اکبری، بابوکانی

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.

شابک: ۳-۳۱۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۶۹.

یادداشت: نمایه.

موضوع: کرامت انسانی - جنبه‌های مذهبی - اسلام

موضوع: کرامت انسانی

شناسه افزوده: حائری، محمد حسن

شناسه افزوده: علی‌اکبری، بابوکانی، احسان، ۱۳۶۶ -

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ک ۷۲۲ ج / BP۲۵۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۸۱۷۵۱

فهرست مطالب

۱۱	.....	سخن ناشر
۱۳	.....	پیشگفتار مؤلف
۱۷	.....	مقدمه
۲۷	.....	بخش اول: کلیات
۲۹	.....	فصل ۱. کلیات
۲۹	.....	۱. شناخت مفهوم کرامت
۲۹	.....	۱-۱. مفهوم لغوی کرامت
۳۳	.....	۱-۲. تعریف اصطلاحی کرامت
۳۵	.....	۲. اشتراک معنایی کرامت و حرمت درباره‌ی انسان
۳۸	.....	۳. تقابل مفهوم کرامت با حقارت و لثامت
۴۰	.....	۴. مفهوم کرامت: کلی مشکک
۴۱	.....	۵. مظاهر کرامت انسان در متون روایی
۴۵	.....	۶. تقسیم مفهوم کرامت در مقام ثبوت
۴۵	.....	۶-۱. کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی
۴۵	.....	۶-۱-۱. کرامت ذاتی
۴۷	.....	۶-۱-۲. کرامت اکتسابی
۴۸	.....	۶-۱-۳. کرامت فردی (اخلاقی) و کرامت اجتماعی (حقوقی)
	.....	۶-۲. کرامت در جنبه‌ی نفی و اثبات (سلبی و ایجابی)
	.....	۶-۳. کرامت الهی و کرامت انسانی

- ۵۷..... ۴-۶. کرامت ذاتی و کرامت اقتضائی
- ۵۸..... ۵-۶. کرامت عرفی - اجتماعی
- ۵۹..... جمع‌بندی
- ۶۰..... یادداشت‌ها
- ۶۹..... فصل ۲. بررسی مفهوم کرامت انسان از دیدگاه نظام حقوقی اسلام
- ۶۹..... کلیات
- ۶۹..... ۱. مراتب و تقسیمات کرامت در مقام اثبات
- ۷۰..... ۱-۱. کرامت مؤمنان در مقام اثبات
- ۷۲..... ۱-۲. سلب کرامت از غیر مؤمن
- ۷۴..... ۱-۳. سلب کرامت الهی از غیر عدول مؤمنین
- ۷۵..... ۱-۴. اثبات حرمت (کرامت انسانی) برای افراد انسان
- ۷۶..... ۱-۴-۱. استدلال در بستر اثبات اصل کرامت انسان
- ۷۶..... ۱-۴-۲. استدلال در بستر استنتاج آثار فقهی و حقوقی کرامت
- ۷۷..... ۱-۴-۳. روش‌های متصور در اثبات حرمت برای انسان
- ۷۷..... الف. استدلال به روش دوم (اثبات مستقیم مفهوم کرامت انسانی)
- ۷۸..... یک- آیات
- ۸۶..... دو - اخبار
- ۹۴..... ب. استدلال به روش سوم (عدم دلیل بر جواز تحقیر بی دلیل، دلیل بر عدم جواز تحقیر)
- ۹۷..... ۱-۵. اثبات حرمت برای مسلمان فاسق
- ۹۸..... ۱-۵-۱. سلب حرمت و کرامت، به سوء اختیار خود شخص است
- ۱۰۴..... ۲. منشأ کرامت انسان
- ۱۰۴..... ۲-۱. نظریه حقوق طبیعی
- ۱۰۶..... ۲-۲. نظریه اصالت فرد (مکاتب فرد گرایی و اصالت انسان)
- ۱۰۹..... ۲-۳. نظریه پوزیتیویستی
- ۱۱۰..... ۲-۴. رویکرد روشنفکری دینی
- ۱۱۰..... ۲-۴-۱. انسان شناسی
- ۱۱۲..... ۲-۴-۲. کرامت انسان
- ۱۱۳..... ۲. نظریه کرامت مبتنی بر وحی (رویکرد دینی اصیل)

۱۱۴	۱-۵-۲. دیدگاه اسلام درباره منشأ حقوق
۱۱۵	۲-۵-۲. کرامت انسان در قرآن
۱۲۰	۳. آیا کرامت انسان اثر حقوقی دارد؟
۱۲۴	۴. کرامت و تکریم
۱۲۶	۵. کرامت انسان؛ حق یا منشأ حق
۱۲۹	جمع‌بندی
۱۳۰	یادداشت‌ها
۱۳۵	بخش دوم: جایگاه کرامت انسان در اسباط احکام
۱۳۵	کلیات
۱۳۷	فصل ۳. کرامت انسانی
۱۳۷	کلیات
۱۳۷	۱. اثبات کرامت انسانی
۱۳۷	۱-۱. آیات و روایات
۱۴۲	۱-۱-۱. آیا کرامت انسان، ذاتی است؟
۱۴۹	۱-۲. حکم عقل
۱۵۲	۱-۳. شمول ضرر در قاعده‌ی «لاضرر» نسبت به تنگ کرامت
۱۵۷	۱-۴. اصل عملی
۱۵۹	۲. سلب کرامت انسانی
۱۶۴	۳. جایگاه کرامت انسانی در استنباط حکم
۱۶۴	۱-۳. کرامت انسانی؛ قاعده‌ی فقهی
۱۶۸	۲-۳. کرامت انسانی؛ یکی از مقاصد عامه‌ی شریعت
۱۷۱	۳-۳. جمع بین دو مبنا
۱۷۲	۴. ضرورت وجود حرمت برای همه افراد انسان
۱۷۵	۵. بحثی درباره‌ی مفهوم کفر و کافر
۱۸۶	۶. پیامدهای توجه به کرامت انسانی
۱۹۰	۷. برخی از آثار فقهی و حقوقی کرامت انسانی
۱۹۰	۷-۱. حق هدایت و آگاهی

۱۹۱	۷-۲. حق حیات بهینه
۱۹۳	۷-۳. حق آزادی و نفی مملوکیت
۱۹۵	۷-۴. حق ملکیت منافع و اموال
۱۹۵	۷-۵. حق داشتن حریم خصوصی
۱۹۷	۷-۶. عدم جواز نسبت ناروا به افراد
۱۹۸	۷-۷. حق داشتن دین و عقیده
۱۹۹	۸. بررسی چند فتوا با محوریت کرامت انسانی
۲۰۷	۹. تحقیر مطلوب و ناکام نکریم
۲۱۰	یادداشت‌ها
۲۱۹	فصل ۴. کرامت الهی
۲۱۹	کلیات
۲۲۰	۱. جایگاه کرامت الهی در استنباط احکام
۲۲۱	۱-۱. کرامت الهی؛ قاعده‌ی فقهی
۲۲۲	۱-۱-۱. مفاد قاعده‌ی کرامت مؤمن
۲۲۳	۱-۱-۲. رابطه‌ی قاعده‌ی کرامت مؤمن و قاعده‌ی نفی سبیل
۲۲۴	۱-۱-۳. قاعده‌ی «حرمة اهانة المحترمات فی الدین»
۲۲۶	۲. ادله‌ی اثبات قاعده‌ی کرامت مؤمن
۲۲۶	۲-۱. آیات و روایات مذکور در بخش اول
۲۲۶	۲-۲. مناسبت حکم با موضوع
۲۲۶	۲-۳. سیره متشرعه
۲۲۷	۲-۴. حکم عقل
۲۲۷	۳. برخی از موارد تطبیق و مصادیق قاعده
۲۲۹	۴. بررسی چند فتوا با محوریت کرامت الهی
۲۳۴	یادداشت‌ها
۲۳۵	فصل ۵. تناسب مفاد هر یک از کرامت انسانی و کرامت الهی با موضوع خود
۲۴۶	یادداشت‌ها

۲۴۷	فصل ۶. کرامت عرفی - اجتماعی
۲۴۷	کلیات
۲۴۷	۱. جایگاه کرامت عرفی - اجتماعی در استنباط حکم
۲۴۹	۲. ادله‌ی مطلوبیت حفظ کرامت عرفی
۲۵۲	۳. بررسی حد فتوادر باب کرامت عرفی
۲۵۹	فصل ۷. مفهوم هتک حرمت، غالباً عرفی است
۲۶۵	جمع‌بندی
۲۶۷	نتیجه‌گیری
۲۶۹	منابع و مأخذ
۲۸۳	نمایه

www.ketab.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
«الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ»  
(قرآن کریم، سوره مبارکه الرحمن (۵۵)، آیات شریفه ۳-۱)

سخن ناشر

این واقعیت که علم ماهیتی توحیدی دارد آموزه ای سترگ برگرفته از کلام وحی می باشد، آنجا که خداوند تعالی، بر «تعلیم» به مثابه «مقامی الوهی» - عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (قرآن کریم، سوره مبارکه العلق (۹۹)، آیه شریفه ۵) - و «علم» به مثابه «عطیه ای الهی» - وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ بَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (قرآن کریم، سوره مبارکه طه (۲۰)، آیه شریفه ۱۱۴) - ، تأکید ورزیده و بدین ترتیب، اُفقِی تازه را در مسیر علم اندوزی مشخص می سازد که امروزه با عنوان کلام «علم دینی» از آن تعبیر می شود.

دانشگاه امام صادق علیه السلام حسب رسالت اولیه اش، تاکنون تلاش مستمر و گسترده ای را در دو حوزه تعلیم و تربیت، جهت عملیاتی نمودن این آرمان اصیل و کاربردی اسلام، به انجام رسانیده که ثمره آن، پرورش نسل تازه ای از فارغ التحصیلان و انتشار مجموعه ای ارزنده از آثار در حوزه علوم انسانی اسلامی می باشد. با اینحال، باید توجه داشت که عرصه علم و علم آموزی را حده و اندازه ای نیست و تلاش برای توسعه مرزهای دانش در افق اصول



هنجاری دین، امری مستمر و بی‌انتهاست.

بر این اساس، معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق همزمان با عملیاتی نمودن طرح‌های نخستین در زمینه طرح مباحث میان‌رشته‌ای با تأکید بر معارف اسلامی در حوزه علوم انسانی، اقدام به تدوین و اجرای طرح‌های تکمیلی‌ای نمود که سطح عالی‌تری از تولید دانش را در این خصوص دنبال می‌نماید. طرح تحقیق، تولید و انتشار مجموعه «مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی»، از جمله پروژه‌های راهبردی دانشگاه به شمار می‌آید که از بجه دوم سال ۱۳۸۹ در دستور کار اداره کل پژوهش دانشگاه قرار گرفت و هم‌اکنون در حسند هستیم که ثمرات این جهاد علمی را می‌توانیم خدمت استاید، دانشجویان و محققان ارجمند تقدیم نماییم.

مجموعه «مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی»، در پی آن است تا عمده‌ترین مفاهیم (درون‌دینی و بیرون‌دینی) را در این حوزه، به بحث، بررسی و تحلیل گذارد؛ و در این خصوص از همیاری تمامی کارشناسان برجسته و آگاه به علوم انسانی اسلامی استقبال به عمل می‌آورد. در این طرح، مفاهیم با تأکید بر اصول دینی و در چارچوب گفتمان «اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته و سعی می‌شود تا در قالب الگویی واحد، مبانی و اصول مورد نظر و نحوه کاربست آنها برای مخاطبان تبیین شود.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ضمن درخواست از تمامی پژوهشگران متعهد و آگاه برای همکاری با دانشگاه، آماده‌ی خود را جهت دریافت نقدهای سازنده با هدف ارتقای متون منتشر شده در چاپ‌های بعدی اعلام می‌دارد. امید آن که شاهد تقویت و گسترش هر چه بیشتر ایده «علم دینی» در آینده نزدیک باشیم.

و الله الحمد

«أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

(قرآن کریم. سوره مبارکه الاعراف (۷). آیه شریفه ۵۴)

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

## پیشگفتار مؤلف

ستایش تنها مخصوص خدایی است که منشأ و منبع کرامت اوست. هموست که انسان را کرامت بندگی بخشیده تا در پرتو عبادت و نیایش او مراتب کرامت را طی کند و به مرتبه‌ی اعلای آن صعود نماید. درود بیکران بر بندگان کریم خدا، انبیاء و اولیاء خصوصاً محمد مصطفی و خاندان پاکش که دوستی ایشان کرامت و دشمنی آنان لثامت است.

«در نظام اسلامی هر آن چیزی که تکريم انسان در آن خدشه‌دار بشود و کرامت انسانی در آن پایمال بشود مردود است و هر آن چیزی که انسان را رشد می‌دهد و به تعالی و معنای واقعی انسان نزدیک می‌کند او مطلوب و مرغوب است»<sup>۱</sup>.

تمام حجم کتاب حاضر تفصیل یک گزاره‌ی کوتاه می‌باشد و آن اینکه «کرامت انسان، در فرایند اجتهاد (فقه و حقوق) منشأ نفی و اثبات است». برای تبیین موضوع و محمول این گزاره نیاز به مباحث فراوانی است. بنابراین مباحث کتاب بطور کلی در دو بخش قابل ارائه است: بخش نخست عهده‌دار بحث از موضوع قضیه و بخش دوم عهده‌دار بررسی محمول آن خواهد بود.

۱. بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای، در دیدار اعضای دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۶۱/۱۰/۲.

در بخش نخست در جهت روشن شدن موضوع پرسش‌های پیش رو در این قسمت عبارتند از: کرامت چیست؟ (مفاد مای شارحه) آیا کرامت انسان علاوه بر وجود ذهنی، وجود خارجی نیز دارد؟ (مفاد هل بسیطه) آیا کرامت انسان، ذاتی و ... است؟ (مفاد هل مرکبه) دلیل وجود کرامت برای انسان چیست؟ (مفاد لِمَ اثباتی) البته شاید لازم باشد ترتیب طرح این پرسش‌ها هماهنگ با ترتیب مباحث منطقی تنظیم نشود. بنابراین ابتدا لازم است به تبیین مفهوم موضوع پرداخته با استفاده از کتب لغت به سؤال نخست پاسخ گوئیم. سپس باید به اثبات موضوع پردازیم و در این جهت از آنجا که زمینه‌ی بحث، فقهی است باید به متون شرعی مراجعه کنیم. در نتیجه پاسخ به هل بسیطه و لم اثباتی در اینجا همزمان اتفاق خواهد افتاد. سپس در جهت پاسخ به هل مرکبه باید به بررسی ویژگی‌های کرامت انسان پردازیم از جمله اینکه آیا کرامت انسان ذاتی است یا غیر ذاتی؟ آیا کرامت انسان زیرشاخه‌هایی نیز دارد؟ و ... در نتیجه این بخش بطور کلی در دو فصل ارائه می‌شود. فصل نخست به تبیین مفهوم کرامت و فصل دوم به بررسی ماهیت آن از دیدگاه نظام حقوقی اسلام اختصاص دارد.

در بخش دوم باید به محمول قضیه پرداخت. اینکه کرامت انسان منشأ نفی و اثبات در احکام و قوانین الهی است یک گزاره کلی بوده میزانی که می‌تواند اصل و ویژگی‌های دخالت این مفهوم را در فرایند استحصال حکم شرعی بررسی کند، دانش اصول فقه است. باید دید، این مفهوم در چهره‌ی کدام نهاد اصولی یا فقهی می‌تواند ایفای نقش کند؟ آیا «حجت در فقه» که از دیدگاه مرحوم بروجردی و امام خمینی و ... موضوع اصلی دانش اصول است، در قالب «کرامت انسان» تشخیص می‌یابد؟ آیا می‌توان طی یک قضیه حملی شایع صناعی گفت: الحجة الكرامة؟ یا بطور مثال بگوئیم القاعدة الفقهية الكرامة؟ پس از یافتن پاسخ تفصیلی این پرسش، در جهت اثبات درستی نتیجه‌ی حاصل شده، استشهد به متون فقهی ضروری می‌نماید. بنابراین بخش دوم هم باید در چند فصل تنظیم شود که طی آنها هر یک از

کرامت انسانی، کرامت الهی و کرامت عرفی مطالعه شوند.

در این کتاب نگارنده با وجود موانع بسیار از جمله بکر بودن رویکرد کتاب به موضوع و کمی منابع، سعی کرده در حد وسع خود به مطالعه‌ی موضوع مذکور پردازد. زبان کتاب، تخصصی است و مخاطب آن، دانشجویان رشته فقه و مبانی حقوق هستند.

بیشترین بهره را از دیدگاه‌های نظریه‌پرداز بزرگ علوم اسلامی در عصر حاضر، حکیم متّله، حضرت آیت‌الله جوادی آملی (نفسی فداه) بردیم. از اینرو در نوشتن این کتاب در جنبه پشتیبانی علمی بیش از همه مدیون دیدگاه‌های ناب و دقیق ایشان هستیم. و اما در جنبه پشتیبانی عملی مرهون تلاش‌ها و زحمات بی‌دریغ پدر و مادریم که با تقدیم این کتاب به محضر ایشان امیدواریم لبخندی به شان و ضاییت را بر لبان مبارکشان شاهد باشیم.

به حکم «احبّ اخوانی من اهدی الیّ عیوبی» نقطه نظرات مفید صاحب نظران و خوانندگان محترم را به دیدوی منت پذیرا خواهیم بود.

امید است خدای بزرگ این تلاش ناچیز را شمع‌ی فروزان بر سر راه دانش‌پژوهان عزیز قرار دهد.

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## مقدمه

خورشید و ماه و ستارگان سپهر لاجوردین با همان چشمانی که اجساد متلاشی شده‌ی میلیون‌ها قربانی دفاع از حق حیات را دیده است، شاهد قفس‌های شکسته‌ی بدن‌های میلیون‌ها شهید دفاع از حق کرامت انسانی نیز بوده است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰: ۲۷۸)

می‌توان گفت در جهان کنونی مهم‌ترین مسأله‌ی حقوقی، حقوق مشترک بشر است و در میان مبانی حقوق بشر، کرامت انسان بنیادی‌ترین اصل به‌شمار می‌رود. تا آنجا که در مقدمه‌ی اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده: از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد ... (مهرپور، ۱۳۷۴: ۳۶۰) در بسیاری از بیثاق‌های بین‌المللی نیز سخن از کرامت انسانی به میان آمده که در مباحث آینده به‌طور مبسوط بدانها خواهیم پرداخت. اساساً این مسأله در جهان غرب ابتدا در بین مسائل فلسفی رخ نمود (McCrudden, 2006) و سپس پا به عرصه‌ی حقوق بشر گذاشت و بالاخره در دسامبر سال ۱۹۴۸ همزمان با جنگ جهانی دوم و با تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، با صراحت بیشتر به‌عنوان مهم‌ترین مبنای حقوق بشر معرفی گردید. در مقدمه‌ی این اعلامیه آمده

است: از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشر را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به‌عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است، از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به‌عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فساد مجبور نگردد، از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین‌المللی را مورد تشویق قرار داد، از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجدداً در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری به وجود آورند:

ماده‌ی اوّل: تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده‌ی دوم: هر کس می‌تواند بدون هیچ تمایز مخصوصاً از حیث رنگ، جنس، نژاد، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد...

این اعلامیه یک نقطه قوت در نظام غرب است و با تفاوت عمده در نگاه متفکرانی چون نیچه، هابز و ماکیاوول که اصل انسان را بر گرگ بودن استوار می‌دانند و با نظرات کسانی همچون افلاطون و ارسطو که انسان‌ها را به دو گروه با کرامت و بی‌کرامت در سرشت و ذات اولیه تقسیم می‌کنند تفاوت عمده‌ای دارد و گامی بلند در جهت ارتقای بشریت است. از طرفی شاید بزرگترین نقطه ضعف این منشور، عدم توجه به منشأ کرامت و نیز

کرامت الهی است. به هر حال این اعلامیه با نقاط قوت و ضعفی که داشت سرآغاز بحث‌های مفصل با محوریت کرامت انسانی و به عبارتی حق کرامت انسان‌ها شد.<sup>۱</sup>

پس از آن تدوین قوانین اساسی و عادی بسیاری از کشورهای غرب و شرق بر طبق این اصل فراگیر و آوردن این لفظ در میان متون قوانین، تبدیل به یک امتیاز بزرگ و البته یک نیاز شد. چه اینکه پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران نیز در تدوین و تنظیم قانون اساسی، بدین مهم توجه شد و در اصل دوم، کرامت انسانی در کنار اموری چون توحید، معاد، نبوت، امامت و عدالت به عنوان یکی از شش مبنای کلی نظام مقدس جمهوری اسلامی معرفی گردید. این مسأله با یادآوری نظارت فقیهان جامع شرایط فتوی بر فرایند تدوین این قانون، اهمیت بحث مبسوط و تحلیلی از موضوع مذکور را روشن‌تر خواهد نمود.

آنچه گفته شد تنها مربوط به کرامت انسانی انسان است نه کرامت الهی او. چنانچه در مباحث پیش رو خواننده‌ی گرامس متوجه خواهد شد، کرامت انسان در سه مرتبه‌ی کرامت انسانی، کرامت الهی و کرامت عرفی - اجتماعی قابل بررسی است و بحث از دو مرتبه‌ی اخیر نیز با توجه به متریقی‌تر بودن و جامع‌تر بودن حقوق اسلامی نسبت به حقوق بشر غربی لازم می‌نماید. سخن از حقوق الهی از جمله کرامت الهی در کنار حقوق انسانی با نظر به دو بعدی بودن شخصیت انسان غیر قابل اغماض است و اگر تنها از حبه مادی و جهت انسانی بنی‌آدم بحث شود، حق انسان بطور کامل ادا نشده و در نتیجه به او ظلم شده است. و اما لزوم بررسی کرامت عرفی - اجتماعی نیز با دقت در مفهوم آن و نیز آثار فقهی و حقوقی آن در نظام حقوقی اسلام و احیاناً حقوق غربی معلوم می‌گردد.

بدین جهت بررسی مقوله‌ی کرامت انسان به معنای عام آن که شامل هر سه مرتبه‌ی مذکور است، در حوزه‌ی نظریه حقوقی اسلام و استنباط دیدگاه آن از اهمیت شایان توجهی برخوردار خواهد بود. به اعتقاد ما یکی از



مقاصد مهم شریعت اسلام حفظ کرامت و شخصیت همه‌ی افراد است. اگرچه به زعم برخی سخن از کرامت انسان تنها در علم اخلاق قابل طرح و بررسی است اما به نظر می‌رسد مقوله‌ی کرامت در استنباط احکام الهی دخالت داشته و می‌تواند به‌عنوان یکی از منابع حقوق بشر در اسلام و یا یکی از حقوق مشترک انسان‌ها از نگاه دین ایفای نقش کند.

فقیهان امامیه از این عنصر اغلب در باب حقوق مؤمنان استفاده کرده‌اند و به نظر می‌رسد با مطالعه‌ی آثار ایشان به این نتیجه خواهیم رسید که اصل ثبوت کرامت برای انسان از دیدگاه ایشان، مشکوک بوده بلکه در اکثریت موارد عکس این عقیده وجود دارد. با این حال دیدگاه بسیاری فقیهان اهل سنت غالباً مخالف با عقیده‌ی مذکور است. یعنی اکثریت آنان انسان را از جهت انسان بودنش بهره‌مند از کسب کرامت دانسته و بر اثبات مدعای خویش مکرراً به آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسراء استناد جسته‌اند که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (سوره اسراء: ۷۰).

امروزه پرسش‌ها و شبهات فراوانی با محوریت این مقوله طرح گردیده است. مسائلی از قبیل تفاوت دیه‌ی مسلمان و کافر، تفاوت دیه‌ی زن و مرد در بیش از یک سوم، وجود مجازات‌هایی از قبیل اعدام یا قصاص، شلاق یا قطع عضو و ...، مشروعیت یا عدم مشروعیت پیوند اعضا، لقاح مصنوعی، شبیه‌سازی انسان، نقص عقل و بهره‌ی مالی زنان نسبت به مردان و بسیاری از مسائل و موضوعات دیگر برخی را بر آن داشته که سراغ بحث از «کرامت انسان» رفته و جایگاه آن را در استنباط احکام بررسی نمایند، تا جایی که بعضی از ایشان فتاوی‌ای خلاف مشهور، بلکه شاید خلاف اجماع صادر کنند.<sup>۲</sup> این مطلب خود نشان‌دهنده‌ی آن است که نمی‌توان از کنار «کرامت» به‌آسانی گذشت بلکه به هر تقدیر لازم است فقیه جامع شرایط فتوی موضع خویش را چه در صغری و چه در کبری بحث از کرامت و جایگاه آن در فقه و تفقه مشخص نماید. حتی اگر «کرامت انسان» شأنیت دلالت در استحصال احکام

را داشته باشد لازم است مباحثی جداگانه بدان تعلق گیرد. چه اینکه چنین شائیتی با نظر به آنچه گفتیم جدتی و غیر قابل اغماض است.

از این رو سعی کرده‌ایم هر چند مختصر، پیرامون کرامت انسان سخن بگوییم. اعتراف داریم که نوشته‌هایمان خالی از اشکال نیست بلکه در نظر اهل فن شاید اشکالات فراوانی در آن یافت شود اما آغازی است برای اهل تحقیق و شناسه‌ای است که حداقل اهمیت موضوع را آشکار خواهد کرد. زیرا گرچه درباره‌ی «کرامت» مقالات زیادی نوشته شده اما آنچه به طور خاص مربوط به موضوع ما باشد و «کرامت» را در حوزه‌ی اصول و قواعد فقهی بررسی کرده باشد در حکم کبریت احمر است. آنچه گاه در میان آثار فقیهان اهل سنت درباره‌ی کرامت انسانی و در بین مکتوبات اهل ملت در زمینه‌ی کرامت الهی دیده می‌شود کلی و قاعده‌مند نبوده تنها به تبع برخی مباحث مرتبط، از کرامت انسان بحث شده است.

پرسش‌هایی که در این تحقیق در پی پاسخ به آن‌ها هستیم از این قبیل‌اند:

۱. ماهیت کرامت چیست؟
  ۲. آیا انسان به جهت انسان بودنش کرامت دارد؟
  ۳. اگر انسان کریم است کرامت او در چه مراحل قابل بررسی می‌باشد؟
  ۴. آیا کرامت، ذاتی و یا لازم ذاتی انسان است یا اینکه عرضی و قابل زوال است؟
  ۵. آیا کرامت انسان لوازم حقوقی و فقهی نیز دارد؟
- این‌گونه سؤالات را باید در بخش نخست پاسخ گفت که از آن تعبیر به موضوع‌شناسی کرامت کرده‌ایم.

در بخش دوم نیز می‌توان چنین پرسش‌هایی را در نظر داشت:

۱. کرامت انسان با چه عنوانی می‌تواند منشأ استحصال احکام باشد؟
۲. آیا می‌توان از «کرامت انسان» به‌عنوان یک قاعده کلی در فرایند تحصیل حکم شرعی بهره برد؟ مثلاً آیا می‌توان آن را یک قاعده فقهی همانند دیگر قواعد فقهی دانست؟

۳. آیا می‌توان کرامت انسان را به‌عنوان مخصص، مزاحم، معارض یا وارد بر ادله‌ی نقلی یا عقلی دیگر (در صورت تعارض ظاهری و یا قطعی این ادله با کرامت انسان) دانست؟ که این دو، پرسش‌های اصلی کتاب حاضر می‌باشند.

۴. آیا فقیهان در مورد کرامت سخن گفته‌اند؟ آیا آن را به‌عنوان منشأ اثبات در فقه پذیرفته‌اند؟ و...

چنانچه بر خوانندگی محترم مخفی نیست، موضوع کتاب گسترده، عمیق و نیازمند مطالعه‌ی فراوان است. در عین حال بضاعت نگارندگان اندک می‌باشد. با وجود این، هدف اصلی ما بررسی چستی کرامت، ثبوت یا عدم ثبوت آن برای انسان و در پی آن دخالت کرامت در استحصال حکم فقهی است.

چنانچه گفتیم مقالات مختلف با موضوع کرامت انسانی نوشته شده اما مقالاتی که مستقیماً رویکرد فقهی - اصولی به موضوع داشته باشند بسیار اندک‌اند و شاید به عدد انگشتان دست هم نباشند. کتب و مقالاتی نیز وجود دارند که به‌طور ضمنی مربوط به موضوع کتاب ما هستند. مثلاً آثاری که در موضوعات حقوق بشر یا به اصطلاح حقوق انسان، شبیه‌سازی انسان، پیوند اعضا و امثال آن نوشته شده‌اند به‌طور ضمنی به موضوع ما اشاره داشته‌اند. کتاب‌هایی مانند «الاسلام و حقوق الانسان فی ضوء التغيرات العالمية»<sup>۱</sup>، «حقوق الانسان»<sup>۲</sup>، «حقوق الانسان الثقافية بین الشريعة الإسلامية والمواثيق الدولية»<sup>۳</sup>، «حقوق الانسان فی الاسلام»<sup>۴</sup>، «حکم الانتفاع بالأعضاء البشرية و الحيوانية»<sup>۵</sup>، «الإستنساخ فی میزان الاسلام»<sup>۶</sup> و نیز «الاستنساخ؛ جدل العلم و الدین و الأخلاق»<sup>۷</sup> از همین قبیل هستند. «کرامت انسانی در حقوق کیفری» اثر دکتر اسمعیل رحیمی نژاد، کتاب دیگری است که در آن نویسنده با رویکردی حقوقی و با مبنا قرار دادن کرامت ذاتی انسان به نقد و بررسی حقوق کیفری ماهوی و شکلی پرداخته است. به نظر ما مهم‌ترین نقد وارد بر این کتاب فرض ذاتی بودن کرامت و ثبوت مطلق آن در هر شرایطی است. به‌طوری که نویسنده حتی منظور از ذاتی را مشخص نکرده و اشاره‌ای

به مفهوم منطقی آن نداشته است. با این رویکرد تمام مجازات‌های سخت، خلاف کرامت ذاتی بوده و در هیچ زمان و مکانی قابلیت اجرا ندارند در صورتی که اولاً اثبات کرامت ذاتی به این معنا برای انسان از منظر نظریه حقوقی اسلام ممکن نیست چه این که سلب آن به طور اجمالی در زمان پیامبر و مضمومان علیهم‌السلام پس از ایشان برای اهل فن، حکم بدیهیات را دارد. و ثانیاً چنین چیزی خلاف حکم و سیره عقلاء عالم از جمله مدونان اعلامیه جهانی حقوق بشر که داعیه‌داران کرامت ذاتی برای انسان‌اند می‌باشد. هیچ فردی را نمی‌توان یافت که با عقل سلیم حکم به ثبوت و عدم زوال کرامت برای افرادی چون حجاج بن یوسف، چنگیز مغول، استالین، هیتلر و صدام حسین نماید. به هر روی آنچه را یافته‌ایم در همین حد است که آن هم مستقیماً به موضوع ما اختصاص ندارد.

به نظر می‌رسد برای بحث فقهی بر مبنای کرامت انسان، طرح بحث حداقل در دو بخش کلی، ضروری می‌نماید:

در بخش اول لازم است بطور استدلالی به تحقیق درباره‌ی ثبوت یا عدم ثبوت چنین مبنا و یا حقی در میان متون و ادله باشیم. چه اینکه در مورد ثبوت کرامت انسانی برای تمام بشر در میان دانشمندان اتفاق نظر وجود ندارد.

پس از فراغ از بخش نخست، باید در بخش دوم به بررسی آثار و پیامدهای فقهی و حقوقی کرامت پردازیم. در این بخش است که بایست به بررسی آراء و نظریات دانشمندان پرداخته و نیز به شبهات پیرامون کرامت انسان پاسخ گوئیم. بنابراین حداقل دو بخش مفصل برای بحث مفید از این موضوع ضروری می‌نماید. حال آنکه در بسیاری موارد نویسندگان مباحث حقوق بشری از کنار اثبات کرامت به آسانی و با تسامح و نوعی فرض‌انگاری گذشته‌اند. بطوری که یا ثبوت آن را برای بشر مسلم و مفروض دانسته و بدون بحث تفصیلی از اثبات اصل کرامت برای بشر از دیدگاه اسلام، تنها از آثار کرامت سخن گفته‌اند - که البته اینگونه تحقیق، به هیچ وجه استدلالی و عمیق نیست - و یا آنکه در جهت اثبات کرامت انسان

به ادله‌ی ضعیف یا مختصر استناد جسته‌اند.

بنابراین با عنایت به آنچه گفته شد و نیز توجه به اهمیت موضوع، نیاز به انجام تحقیق حاضر روشن خواهد بود. البته در نظر داشتن این مطلب نیز لازم است که در صورت اثبات «کرامت» به عنوان یک قاعده‌ی فقهی یا به عنوان یکی از مقاصد شریعت، قاعده‌ی حاکم و یا منحصص احکام، می‌توان آن را در جهت اثبات حکم فقهی و حقوقی به کار بست و تنها شبهه‌ی امکان چنین چیزی کافی است که چندین مقاله و پژوهش در این باب انجام گیرد.

نکته: اولاً کرامت انسان، عنوان عامی است که کرامت انسانی جزئی از آن است. ثانیاً چنانچه روشن است رویکرد تحقیق حاضر به کرامت، فقهی است. بنابراین در بررسی پیشینه‌ی تحقیق و یا... به این نکته توجه شود.

WWW.KELOD.COM

۱. در سال ۱۹۹۰ و در واکنش به کاستی‌های این منشور، گروهی از دانشمندان مسلمان در شهر قاهره‌ی مصر گرد هم آمده و به تدوین منشور حقوق بشری مشابه با آنچه غربیان به ارمغان آورده بودند پرداختند. وجه تمایز مهم این منشور با اعلامیه ۱۹۴۸ در اسلامی بودن و تطابق آن با فرهنگ وحی بود.
۲. برای نمونه حکم به تساوی دیه‌ی زن و مرد از این قبیل است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله یوسف صانعی به تاریخ ۸۹/۱۰/۲۲.
۳. اثر کمال‌الدین حنیط
۴. اثر محمد الغزالی
۵. اثر دکتر داود حلس
۶. اثر عبدالله بن عبد المحسن التركي
۷. اثر کمال‌الدین جمعه بکرو
۸. اثر ریاض احمد عودة الله
۹. اثر علامه سید محمد حسین فضل الله

---

بخش اول:

---

## موضوع‌شناسی کرامت

---

### کلیات

هدف نهایی ما در این بخش، اثبات اصل کرامت برای انسان است. چه اینکه ثبوت کرامت برای انسان به عنوان یک حق یا منشأ حقوق، از قضایای نظری است و نیاز به اثبات دارد. در نتیجه باید با استفاده از ادله شرعی به اثبات آن پردازیم. از طرفی مفهوم کرامت نیز از مفاهیم تصویری بدیهی نبوده برای تصویر آن نیاز به بررسی و کنکاش است. پس یکی از فصل‌های این بخش به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی کرامت (بنیادی تصویری) اختصاص خواهد داشت و ما ابتدا به بررسی مفهوم لغوی کرامت پرداخته سپس معنای اصطلاحی و ... آن را مورد کنکاش قرار خواهیم داد. پس از تبیین مفهوم کرامت، از آنجا که در متون روایی کرامت انسان بطور مستقیم موضوع بحث واقع نشده لازم است به دنبال مفاهیم مترادف و یا متضاد آن باشیم تا با استفاده از آنها، بحث از جایگاه کرامت انسان در فقه و حقوق اسلامی را ادامه دهیم. در این جهت مفاهیم متضادی چون لثامت و حقارت را مورد مطالعه قرار خواهیم داد. در ادامه به موضوع مهمی می‌پردازیم که عصری بنیادین در تبیین مباحث کتاب است و آن عبارتست از رابطه‌ی لفظ کرامت و حرمت. این مبحث در رابطه با طرح تفاوت ریشه‌ای کرامت انسانی و کرامت الهی عهده‌دار نقش مهمی خواهد بود. در ادامه برای تبیین محل بحث و پرهیز از خلط مفاهیم و مصادیق مشابه تقسیمات مفهوم کرامت در مقام

ثبوت و اثبات را بررسی خواهیم کرد. این دسته از مباحث به ما کمک می‌کند تا بدانیم دقیقاً به دنبال اثبات چه چیزی هستیم و چه مفاهیمی می‌توانند ما را رهنمون یا گمراه کنند.

پس از فراغ از کلیات و مباحث مفهومی، فصل دوم را با عنوان بررسی مفهوم کرامت از دیدگاه نظام حقوقی اسلام دنبال خواهیم کرد. از این به بعد است که مباحث اصلی کتاب شروع می‌شوند. در این فصل باید به بررسی کرامت در مقام اثبات و دلالت ادله بپردازیم. در نتیجه مهم‌ترین مبحث کتاب یعنی اثبات کرامت برای مطلق انسان را پیش خواهیم کشید و بطور مفصل بدان خواهیم پرداخت. این موضوع، چنانچه در خلال مباحث خواهیم گفت، مهم‌ترین مبحث کتاب و از طرفی بنیادی‌ترین عنصر در جهت بررسی نقش کرامت انسان در استحصال احکام است. چه اینکه در عالم اثبات، موضوع برای محمول در حکم علت برای معلول در عالم ثبوت است. سپس از منشأ کرامت انسان سخن خواهیم گفت و در پایان فصل دوم به بررسی تکریم و مبنای آن در شرع مقدس خواهیم پرداخت. (مبادی تصدیقی)